





از اهداف گفته شده در ترک مسندالیه (در صورت وجود قرینه ای دال بر محذوف)



ابلاغ حکم چیزی که نزد شنونده معلوم است با چیزی دیگر مانند آن به کمک یکی از راه های معرفه ساختن

هذا الخطيب و ذاك نقيب الأشراف

فواید تعریف مسند

بیان حصر حقیقی مسند بر مسندالیه

سعدُ الزعيمُ (در صورتی که زعیمی غیر از او نباشد).

یا بیان حصر ادعائی مسند بر مسندالیه که بیانگر مبالغه کمال معنای مسند در مسندالیه است. (شرط آن: مسند معرفه به ال جنس باشد).

سعدُ الْوَطَنِيِّ

علت: به جهت عدم وجود انگیزه ای برای معرفه آوردن آن

موارد نکره آمدن مسند

۱- عدم قصد اراده عهد یا حصر

أنت أمير و هو وزير

۲- تبعیت از نکره بودن مسندالیه

تلميذ واقف بالباب

۳- بیان تفخیم

هُدَى الْمُتَّقِينَ

۴- تحقیر

ما خالدٌ رجلاً يُدْكَرُ

موارد تقدیم مسند

تأخیر مسند، اصل است در کلام

عامل بودن مسند

قام علی

صدارت طلب بودن مسند

أین الطريق

تخصیص مسند به مسندالیه

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

توجه دادن به اینکه مسند، خبر مقدم است نه صفت

له هَمَّ

تشویق به ذکر مسندالیه متأخر در صورتی که در مسند مقدم چیزی باشد مبنی بر تشویق آن

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

فال نیک زدن

مثل اینکه به مریض بگوئی: فی عافیه أنت

منحصر ساختن مسندالیه بر مسند

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِي دِينِ

اظهار ناراحتی برای آزدن مخاطب

وَمَنْ تَكَدَّرَ الدُّنْيَا عَلَى الْحُرِّ أَنْ يَرَى عَدُوًّا لَهُ مَا مِنْ صِدَاقَتِهِ بُدُّ

شتاب در شاد کردن مخاطب یا تعجب یا تعظیم یا مدح و ذم یا ترحم یا دعا

لِلَّهِ دَرْكٌ، عَظِيمٌ أَنْتَ يَا اللَّهُ، نَعَمُ الزَّعِيمُ سَعْدٌ

